

نقد روز

تحلیل پولیتیکو از لشکر کاندیداهای دموکرات برای انتخابات ۲۰۲۰

فستیوال موسیقی یا انتخابات؟

نخستین مناظرات تلویزیونی درون حزبی دموکرات‌ها قرار است در ماه ژوئن امسال برگزار شود. اما با تمام امکاناتی که فراهم شده، صحنه تلویزیون ظرفیت جا دادن تمام نامزدهای دموکرات را ندارد. این دیگر یک رقابت مقدماتی نیست، بلکه شبیه یک فستیوال موسیقی است که مردم با گزینه‌های متعددی از باندهای موسیقیایی برای رأی دادن مواجه هستند. گزینه‌های بیش از حد باعث می‌شود مردم در رأی دادن دچار سردرگمی شوند که در نهایت تاثیر منفی آن در انتخابات ۲۰۲۰ نمایان خواهد شد. شاید تصور شود که داشتن مجموعه‌ای از نامزدها که بتوان از میان آنها کسی را برگزید، اتفاق مطلوبی است، اما علوم رفتاری نشان می‌دهند که داشتن انتخاب‌های متعدد در نهایت موجب نارضایتی رأی‌دهندگان دموکرات و احتمالا حضور کمتر در پای صندوق‌های رأی می‌شود. تجربه این اتفاق را در انتخابات شهرداری شیکاگو نیز داشته‌ایم که طی آن ۱۴ نامزد شایسته با زمینه‌های مختلف نژادی و تخصصی در انتخاباتی که کمترین میزان مشارکت مردم در تاریخ این شهر را شاهد بود، به رقابت پرداختند.

این وضعیت خبر بدی برای یک درصدی‌ها در میدان تلقی می‌شود. منظور این بار ابر ثروتمندان نیست، بلکه سناتورهای و فرمانداران سابق منظور ما است که در نظر سنجی‌ها اوضاع خوبی ندارند. برخی معتقدند که در فعالیت‌های تبلیغاتی ضرری وجود ندارد، اما باید گفت محبوبیت یافتن یک نامزد در عمل هزینه‌ای بر دوش تمام رقبای دیگر تلقی می‌شود. تعداد بالای نامزدها موجب می‌شود رأی‌دهندگان دموکرات نتوانند قضاوت درستی درباره نامزد نهایی که شناس پیروزی بر ترامپ را دارد، داشته باشند و باعث می‌شود اشتیاق آنها برای حمایت از نامزد نهایی حزب کم شود. میز شامی را تصور کنید که تعداد زیادتری از ظرفیت آن، مهمان اطراف آن نشسته‌اند. این حقیقت که همه آنها دوستان نزدیک تلقی می‌شوند، از تجربه عذاب‌آور آنها نمی‌کاهد.

تعداد بالای نامزدها از حلالا کار رأی‌دهندگان را برای دسته‌بندی نامزدها در گروه‌های نژادی، عقیدتی یا جنسیتی دشوار کرده است. نارضایتی از تعداد بالای نامزدها امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است، اما پیامدهای آن قابل پیشگیری و اصلاح هستند. اینجا برخی از راه‌حل‌های ریشه‌دار در علوم رفتاری ذکر می‌شود که نامزدهای دموکرات برای تخفیف پیامدهای تعداد بالای نامزدها می‌توانند به آنها متوسل شوند:

در یک محیط پرازدحام، نامزدهای باهوش به دنبال سادگی می‌روند و تعداد ویژگی‌های پررنگ و برجسته خود را محدود می‌کنند. شما یک برنامه ۱۰ بندی برای امنیت ملی دارید؟ عالی است. آن را روی وب‌سایت خود بگذارید، اما به رأی‌دهندگان خلاصه‌ای از آن را در چند جمله کوتاه بگویید. طرح مالیاتی شما موجب میلیاردها دلار صرفه‌جویی در پول مالیات‌دهندگان می‌شود؟ حرف ندارد. به من بگویید چقدر به پس‌انداز من افزوده می‌شود یا از آن بهتر اگر به نامزد دیگر رأی بدهم، چقدر ضرر می‌کنم. رنج از دست دادن پول، از لذت کسب آن بیشتر است به خصوص اگر درباره هزینه این ماه من به جای عملکرد مالی سالانه‌ام بگویید.

یک پیشنهاد دیگر برای رساندن صدای خود به دیگران می‌خواهید؟ از نصیحت استیو جابز پیروی کنید و هر روز یک لباس تکراری بپوشید تا دیگران بتوانند شما را میان یک جمعیت به راحتی پیدا کنند. شهردار بیت بوتیکینگ اغلب با یک کراوات و پیراهن سفید دیده می‌شود که به خصوص در دوره ابتدایی رقابت که مردم با نامزدها آشنا می‌شوند، به شناخته‌شدن یک نامزد کمک می‌شود.

همچنین حزب دموکرات می‌تواند آنقدر هوشمند باشد که به دنبال راهکارهای ساده‌تری به جای مناظرات چندجانبه پیچیده و شلوغ باشد. تگزاس تربیون راهکار خوبی برای مناظرات یک‌به‌یک نامزدها پیشنهاد کرده که به شناخت مردم از نامزدها کمک می‌کند و نشست‌های شهری سی‌ان‌ان نیز برای آرایه بحث‌های عمیق مفید بوده است. اینها راهکارهای خلاقانه رسانه‌ها برای انجام اساسی‌ترین وظیفه خود یعنی شناساندن نامزدها به مردم هستند.

لیلی کافلر
 منبع: پولیتیکو

آغاز انقلاب سیاسی دموکرات‌ها در آمریکا؛

امسال چه سرنوشتی برای ترامپ رقم خواهد خورد؟

ببینید، این هم اقدامات من برای کارهایی که قولشان را داده بودم! از بزرگترین کاهش مالیاتی به نفع ثروتمندان در تاریخ آمریکا گرفته تا خروج از معاهده هسته‌ای ایران و از کشیدن دیوار در مرز مکزیک تا برهم زدن و از نو نوشتن پیمان تجاری با کانادا و مکزیک همه کم‌یاسی تاثیر در عمل اما در جهت اجرای وعده‌های انتخابی‌اش بوده‌اند. شاید به همین دلیل باشد که تمام نظرسنجی‌ها بر وضعیت خوب ترامپ در میان رأی‌دهندگان سال «۲۰۱۶» اش تاکید می‌کند و گرفتاری او با بقیه ملت آمریکا یعنی آن ۵۳ درصدی که منتظر فردی جدید در کاخ سفید هستند را نشان می‌دهد؛ یعنی او به خوبی توانسته با پافشاری بر روی علاقی پایگاه رأی‌اش آنها را پشت خود حفظ کند اما در عین حال کمترین کامیابی در توسعه بدنه اجتماعی حامی خود نداشته و چیزی به داشته‌های دور قبل اضافه نکرده است.

ترامپ اگر چه دستاورد -غیر تبلیغاتی- مهمی نداشته اما تقریباً جزء جزء اقداماتش باعث تهییج بیشتر رأی‌دهندگان دموکرات برای مشارکت در انتخابات پیش رو و پشتیبانی از هر آن چه مخالف ترامپ است، شده؛ یعنی هم مشارکت مردم دموکرات در اشکال مختلف کمک مالی به کمپین‌ها، حضور داوطلبانه در تبلیغات و احتمالاً خود حضور پای صندوق رأی بیشتر شده اما بسیاری از چهره‌ها و ایده‌هایی که پیش از این حتی گمان هم نمی‌رفت که در صحنه رقابت ریاست جمهوری آمریکا مطرح شوند مورد توجه قرار گرفته‌اند. وزیر مسکن مکزیک -آمریکایی اوپاما، نماینده هندی-آمریکایی هاوایی، سناتور مجرد و سیاه‌پوست نیوجرسی، دو سناتور تقریباً سوسیالیست، چهار زن با طرح ایده‌های رادیکالی چون آموزش مجانی تا مقطع لیسانس، بیمه درمانی رایگان برای همه، تقسیم کردن بانک‌های بزرگ، افزایش مالیات یک‌درصد خیلی ثروتمند، کم کردن قدرت صاحبان بزرگ شبکه‌های اجتماعی و اجباری شدن مرخصی با حقوق در کشوری که آذهان مردم با غلبه سفیدپوست‌ها و سرمایه‌داری حداکثری شناخته می‌شود در حال رقابت هستند. رادیکال شدن گفتارهای درون جریان دموکرات زنگ خطر مهمی برای ترامپ است؛ چرا که طیف وسیعی از اقشار عمداً فرودست که از نظام انتخاباتی در حوزی موجود قطع امید کرده بودند، به میدان خواهند آمد و مشارکت را افزایش خواهند داد. تنها ایراد بالقوه رادیکال شدن شعارها و نامزدها می‌تواند ریزش رأی سنتی و مرکزی دموکرات‌ها باشد که در این مورد این انتخابات به نظر نمی‌رسد محلی از اعراب داشته باشد. انگیزه‌ها برای پایان دادن به حضور ترامپ در اتاق بیضی کاخ سفید آنقدر قوی است که حامیان همه نامزدهای دموکرات مقدماتی را حول فرد نهایی بسیج کند. این پیروزی احتمالی بزرگترین چرخش به چپ آمریکا را رقم خواهد زد که بی‌شک اثر -چه هم‌راستا و چه واکنشی- بر روی روندهای سیاسی دهه ۲۰۲۰ هم‌جهان خواهد گذارد. چنانچه برنی سندرز در اولین روزهای کمپین امسالش گفت که «پیروزی بر ترامپ - که حتماً به آن می‌رسیم- هدف نهایی است، این تازه اول انقلاب سیاسی ماست.»

زمینه

گرچه نتیجه همه تحقیقات و نظرسنجی‌های بعد از انتخابات «انگیزه‌های فرهنگی - هویتی» را به عنوان عامل اول نوشته‌شدن ۶۰ میلیون رأی به نام ترامپ معرفی می‌کند، اما حتماً انتظارات اقتصادی هم که او در اقشار خاصی ایجاد کرد، نقش مهمی در پیروزی‌اش ایفا کرد. در واقع جذابیت‌های هویتی ترامپ به عنوان نماینده سفیدپوستان مسیحی که آمده تا کرسی رئیس جمهوری را از یک سیاه‌پوست با پدری آفریقایی تحویل بگیرد، تبدیل به محور ائتلاف طبقات متنوع اقتصادی شد. مردان سفیدپوست بالای ۶۵ سال بیش از همه گروه‌های جمعیتی به ترامپ رأی داده بودند. این دست سفیدپوستان محافظه‌کار که بین آنها از ثروتمندترین افراد کره زمین تا فقرای محتاج به تامین غذا از طریق خیریه‌های وابسته به کلیسا را می‌توان پیدا کرد، آمریکای خود را در معرض از دست رفتن می‌بینند. پیش از نیمه همین قرن سفیدپوستان برای همیشه اکثریت را در آمریکا از دست داده و به بزرگترین اقلیت آمریکا تبدیل می‌شوند، روزه‌روز از تعداد مشاغل کشاورزی و کارخانه‌ای به دلیل پیشرفت تکنولوژی و همچنین انتقال تولید به کشورهای با کارگران ارزان (بوئیه چین و مکزیک) کم می‌شود. مشاغلی که به نسبت بالا در ایالات محافظه‌کار مرکزی تمرکز دارند. کارگران آبی‌رنگ (اصلاحی برای نیروی کار کم‌مهارت) از یک طرف به دستمزدهای بسیار پایین در شرق آسیا و آمریکای لاتین می‌بازند و از سوی دیگر جای خود را به ماشین‌ها و اتومبیل‌ها و سهم‌شان از اشتغال با مشاغل بخش تخصصی چون آی تی و درمان پرمی‌شود. به این دو اضافه کنید محدودیت‌های سنگینی که به دلیل گرمایش کره زمین و حفظ محیط زیست بر استخراج فرآوری زغال سنگ و نفت به عنوان دو صنعت متمرکز در ایالات قرمز اعمال شده بود. از سوی دیگر اقشار ثروتمندتر محافظه‌کار از بالا رفتن هزینه‌های دولت همچون بیمه درمانی اوپاما، آموزش و سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های پاک به ستوه آمده بودند و به رغم اختلاف و چه بسا تضاد منافع با کارگران آبی با هم همصدا شدند تا ملغمه‌ای بر تناقض ذیل برند ترامپ شکل بگیرد. او هم نامزد مهمترین حزب حامی تجارت و اقتصاد آزاد دنیا بود و هم از بستن درهای واردات برای حمایت از تولید داخلی حمایت می‌کرد، هم پایگاه رأی‌اش کارگران بیکار شده و فقیر بود و هم برای قطع کردن بیمه درمانی دولتی لحظه‌شماری می‌کرد اما در کنار آن وعده‌های ناهمساز چیزی که توانست چسب بین گروه‌های هدف با منافع مختلف باشد، همین بازگرداندن آمریکا به دست سفیدپوست‌های مرکز نشین و -در حد امکان- عقب‌راندن اقلیت‌های ساکن ساحل دو اقیانوس اطلس و آرام بود؛ ولی آیا رمز پیروزی در ۲۰۲۰ هم برای ترامپ کار خواهد کرد؟

کارگر بر از تولید ناخالص کشور کم شده و به مشاغل نرم افزاری افزوده می‌شود. گرچه ترامپ مرتب بر ایجاد اشتغال تاریخی در دوره خود تاکید می‌کند اما در حقیقت بخش اصلی مشاغل جدید در رشته‌های مختلف خرده‌فروشی با حداقل دستمزد و تعداد کمتر آن مشاغل تخصصی با

درآمدهای بالاست که تنها افراد با صلاحیت‌های ویژه به آن راه دارند. در این میان آن چه روزه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود مشاغل صنعتی سنتی آمریکایی (زغال سنگ، خودرو، موتورسازی، پوشاک و...) با پرداخت متوسط است. در واقع رشد فرصت‌های شغلی دردی از آنها که مفتون شعارهای ترامپ شدند، دوا نکرده و از قضا میوه اصلی آن به همان رنگین‌پوستان و مهاجران متخصصی رسیده که به رقیب ترامپ رأی



امیر حسین مهدوی - نیویورک | «هر کسی باشد، تفاوتی نمی‌کند؛ من او را شکست می‌دهم.» دونالد ترامپ نامزدهای مرحله مقدماتی حزب دموکرات را دیوانه و پوکوهانتس و دلفک و بازنده و سوسیالیست و... می‌خواند اما وانمود می‌کند که هیچ نگرانی از پیروزی ندارد. حدود یازده ماه قبل از نخستین انتخابات مقدماتی در ایالت چرخشی (نه قرمز و نه آبی) نیوهامپشایر در شمال شرق آمریکا تاکنون ۱۳ نامزد دموکرات حضور خود را قطعی کرده‌اند و جو بایدن، معاون اول باراک اوپاما هم اعلام کرده که چند هفته پیشتر برای تصمیم گرفتن نیاز دارد. در میانه این صف شلوغ نامزدهای دموکرات حتماً مخالفان مضمم ترامپ به جان مکانیزم انتخابات مقدماتی دعا می‌کنند که با سازوکاری دموکراتیک در نهایت یکی از این جماعت نامزد را به رویارویی با ترامپ می‌فرستند؛ وگرنه اشتیاق و امیدواری به غلبه بر ترامپ آن قدر زیاد است که مثل اصلاح‌طلبان سال ۸۴ و اصولگرایان سال ۹۲ ایران تعداد زیادی نامزد با پیام مشابه و اسامی متفاوت قطار شده و سبب رأی را بین خود تقسیم کنند. انتخابات دوقطبی به عنوان خروجی محتوم سیستم انتخاباتی آمریکا گرچه این بار حتماً ترامپ را به دردمس خواهد انداخت؛ اما در دور قبل به دو معنی به نفعش تمام شد. او در رقابت درون حزبی موفق شد تا تفاوت خودش را برجسته کرده و به اصطلاح از صف شلوغ نامزدهای جمهوری خواه بیرون بزند. تفاوت نگاه او در کنار تقسیم شدن رأی رای دهندگان جمهوری خواه در دور مقدماتی بین تد کروز و مارکو رابو و جب بوش و دیگران به ترامپ کمک کرد تا بسا میانگین حدود سی درصد رأی جمهوری خواهان هر ایالت، نامزد نهایی آنان شود. از طرف دیگر، غلبه هیلاری کلینتون بر برنی سندرز به مدد رأی دموکرات‌های جنوبی و سیاه‌پوستانی که از سندرز خوششان نمی‌آمد، مهمترین هدیه به ترامپ بود. شعارهای رادیکال سندرز غوغایی در اقلیت‌ها و جوانان به پا کرده بود و پیروزی او بر کلینتون در ایالت‌های شمالی به شوک انتخابات تبدیل شده بود. همانطور که نظر سنجی‌های بعد از انتخابات ۲۰۱۷ نشان داد در صورت بالا آمدن سندرز ترامپ به احتمال قوی انتخابات را واگذار می‌کرد؛ اما تب تند شعارهای سندرز، با پیروزی کلینتون در انتخابات مقدماتی عرق کرد و باعث شد تا به رغم اضافه‌شدن جمعیت، کلینتون کمتر از اوپاما در سال ۲۰۱۲ رأی بیاورد. حالا اما یگانگی ترامپ در طرف قرمز (جمهوریخواه) انتخابات باعث خواهد شد در یک سال پیش رو حدود ۱۵ نامزد هر روز او را مباران کرده و در تابستان ۲۰۲۰ همه انرژی را پشت سر نامزد برگزیده بسیج کنند؛ اما این که نتیجه نهایی چه خواهد شد نیاز به توجه زمینه‌های برآمدن ترامپ در پاییز ۲۰۱۶ و آن چه در این دو سال بر سیاست آمریکا رفته است، دارد.

زمانه
 روندهای جمعیتی به نفع گفتمان رئیس جمهوری فعلی نیست. هر روز از سهم سفیدپوستان در بین رأی‌دهنده‌ها سهم می‌شود. کشاورزی و صنایع